

(فصل نهم)

چه چیزی لبخند بر چهره خدا می آورد؟

خداوند بر تو لبخند زند... (اعداد ۶: ۲۵) (ترجمه ان ال تی)

بر غلامت لبخند بزن و راه راست زندگی را به من تعلیم ده. (مزمور ۱۱۹: ۱۳۵) (ترجمه ام اس جی)

لبخند خدا هدف زندگی شما می باشد.

با توجه به اینکه خشنود ساختن خدا هدف اول زندگی شما است، مهمترین چیزی که باید بدنبالش باشید این است که بدانید چگونه می توانید این کار را بکنید. کتاب مقدس می فرماید: "بکوشید تا دریابید چه چیزهایی خداوند را خشنود می سازد." (افسیان ۱۰: ۵) خوشبختانه کتاب مقدس نمونه واضحی از یک زندگی به ما عرضه می کند که خدا را خشنود می سازد. اسم این شخص نوح بود.

در زمان نوح، تمام دنیا اخلاقاً فاسد شده بود. هر کس برای خشنودی خودش می زیست و نه خدا. خدا نمی توانست کسی را بر زمین بیابد که در جستجوی خشنودی او باشد، پس محزون شده بود و از آفرینش انسان پشیمان شده بود. خدا آنقدر از نسل بشر بیزار شد که تصمیم به نابودی آن گرفت. ولی یک مرد بود که لبخند بر چهره خدا آورد. کتاب مقدس می فرماید: "اما در این میان نوح مورد لطف خداوند قرار گرفت." (پیدایش ۶: ۸)

خدا گفت: "این نوح مرا شاد می سازد. او لبخند بر چهره من می آورد. من از طریق خانواده او دوباره از سر نو شروع خواهم کرد." به خاطر اینکه نوح باعث خشنودی خدا شد، امروز من و شما زنده هستیم. از زندگی او پنج عمل پرستش را یاد می گیریم که لبخند بر چهره خدا می آورد.

خدا از اینکه او را بیشتر از هر چیز دیگر دوست داشته باشیم لبخند می زند. نوح خدا را

بیشتر از هر چیز دیگری در دنیا دوست داشت، حتی زمانی که هیچ کس اینگونه نبود! کتاب مقدس به ما می گوید که نوح در تمام زندگیش: "همیشه می کوشید مطابق خواست خدا زندگی کند." (پیدایش ۶: ۹)

این آن چیزی است که خدا از شما می خواهد: یک رابطه! این تعجب آورترین حقیقت در عالم هستی است که خالق ما دوست دارد با ما مشارکت داشته باشد. خدا تو را ساخته تا تو را محبت کند، و اشتیاق دارد که تو نیز به محبت او پاسخ بگویی. او می گوید: "من از شما محبت می خواهم نه قربانی. من از هدایای شما خشنود نیستم بلکه خواهان آنم که مرا بشناسید." (هوشع ۶: ۶)

آیا متوجه اشتیاق و علاقه خدا برای شما، در این آیه می شوید؟ خدا عمیقاً شما را دوست دارد و مشتاق محبت شما در عوض آن نیز هست. او مشتاقانه منتظر شما است تا او را بشناسید و با او وقت صرف کنید. به این علت است که یادگیری محبت خدا و محبت شدن توسط خدا می بایست بزرگترین هدف زندگی شما شود. هیچ چیز دیگری به این اندازه مهم نیست. عیسی مسیح آن را بزرگترین فرمان یا حکم نامید. او فرمود: "خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما. این نخستین و بزرگترین حکم است." (متی ۲۲: ۳۷ و ۳۸)

وقتی ما به خدا کاملاً "توکل می کنیم او لبخند می زند. دومین علتی که نوح خدا را خشنود ساخت این

بود که به خدا اعتماد و توکل داشت، اگر چه به ظاهر معنایی نداشت. کتاب مقدس می فرماید: "نوح، یکی دیگر از کسانی است که به خدا ایمان داشت. وقتی خدا به او فرمود که سرنوشت هولناکی در انتظار مردم بی ایمان است، او سخن خدا را باور کرد. با اینکه هیچ نشانه ای از طوفان نبود... در اثر همین ایمان بود که نوح مقبول خدا گردید." (عبرانیان ۱۱: ۷)

این صحنه را تصور کنید: یک روز خدا پیش نوح می آید و به او می گوید: "من از نسل بشر ناامید شده ام. در تمام دنیا هیچ کس به جز تو به من فکر نمی کند. ولی نوح، این را بدان که وقتی به تو نگاه می کنم شروع به لبخند زدن می کنم. من از طرز زندگی تو خشنود هستم، پس می خواهم با طوفان این دنیا را نابود کنم و با خانواده تو از سر نو شروع کنم. من از تو می خواهم که یک کشتی بزرگ بسازی که تو و حیوانات را از این طوفان نجات خواهد داد." سه مشکل عمده وجود داشت که می توانست در نوح شک ایجاد کند. اولاً، "نوح هیچگاه باران ندیده بود، چون پیش از طوفان، خدا زمین را از منابع زمینی سیراب می ساخت. ثانیاً، نوح صدها کیلومتر دورتر از نزدیکترین اقیانوس زندگی می کرد. حتی اگر یاد می گرفت که کشتی ای بسازد، چگونه می بایست آن را در آب بیاندازد؟ ثالثاً، مشکل جمع آوری تمام حیوانات و تغذیه آنها وجود داشت. ولی نوح شکایت نکرد و بهانه ای نیاورد. او کاملاً به خدا اعتماد و توکل کرد و این باعث خشنودی خدا شد.

توکل کامل به خدا یعنی ایمان داشتن به اینکه او می داند چه چیزی برای زندگی شما بهترین است. شما از او انتظار دارید که وعده هایش را عملی سازد، در مشکلات یاری کند، و وقتی که لازم است غیرممکن را ممکن سازد. کتاب مقدس می فرماید: "خشنودی او از کسانی است که او را گرمی می دارند و به رحمت وی امید بسته اند." (مز مور ۱۴۷: ۱۱)

۱۲۰ سال برای نوح طول کشید تا کشتی را ساخت. من می توانم روزهای زیادی را تصور کنم که در ناامیدی بسر برد. سالها پشت سر هم بدون باران می گذشت و بارها بی رحمانه از او انتقاد می شد که "مردی دیوانه است که فکر می کند خدا با او صحبت کرده است." من می توانم فرزندان نوح را تصور کنم که چگونه خجالت می کشیدند که این کشتی بزرگ در حیات جلوی خانه شان ساخته می شد. ولی با اینهمه نوح به توکل و اعتمادش به خدا ادامه داد. در چه قسمتی از زندگیتان احتیاج دارید به خدا کاملاً؟ توکل کنید؟ توکل یک عمل پرستشی است. همانگونه که والدین بچه ها از اینکه فرزندان شان به محبت و حکمتشان اعتماد می کنند، خشنود می شوند، ایمان شما نیز خدا را خوشحال می سازد. کتاب مقدس می فرماید: "خشنود ساختن خدا بدون ایمان و توکل به او محال است." (عبرانیان ۱: ۶)

خدا وقتی با تمام قلب او را اطاعت می کنیم، لبخند می زند. نجات نسل حیوانات از طوفانی عالمگیر خواهان توجه زیادی به تدارکات و جزئیات بود. همه چیز باید دقیقاً "همانگونه که خدا فرموده بود" انجام می شد. خدا نگفت: "نوح، هر کشتی که ای که می خواهی بساز." او جزئیات دقیق اندازه و شکل و مواد کشتی را به او توصیه کرد و نیز تعداد متفاوت حیواناتی که باید وارد کشتی می شدند به او فرمود. کتاب مقدس عکس العمل نوح را چنین بیان می کند: "پس نوح چنین کرد و به هر چه خدا او را امر فرمود، عمل نمود." (پیدایش ۶: ۲۲)

توجه داشته باشید که نوح کاملاً "اطاعت کرد" (او از هیچ دستوری صرف نظر نکرد)، و اطاعت او دقیق بود (به نوع و زمانی که خدا خواسته بود، انجام شود). این کار را می توان کاری با تمام قلب نامید. یعنی آنچه خدا گفته بدون بی توجهی و غفلت انجام دادن. یعنی پشت گوش نمی اندازی و نمی گویی: "در موردش دعا خواهم کرد." و بدون درنگ و تاخیر انجام می دهی. هر پدر و مادری می داند که اطاعت با تاخیر و درنگ واقعاً ناطاعتی است.

خدا برای هر کاری که از شما می خواهد انجام دهد، مجبور به توضیح و دلیل آوردن نیست. فهمیدن و درک می تواند صبر کند، ولی اطاعت نمی تواند. اطاعت فوری به شما خیلی بیشتر از مباحثات کتاب مقدسی در طول زندگی به شما درس خواهد آموخت. در حقیقت، بعضی از فرامین خدا را، تا زمانی که اول اطاعت نکنید، نمی توانید درک کنید. اطاعت قفلهای شناخت را می شکند.

اغلب ما سعی می کنیم، ناقص از خدا اطاعت کنیم. ما می خواهیم دستوراتی را که می خواهیم اطاعت کنیم انتخاب کنیم. ما لیستی از فرامینی که دوست داریم تهیه می کنیم و اطاعت می کنیم، در حالیکه از آن فرامینی که فکر می کنیم غیرمنطقی، مشکل، گران یا مورد پسند عام نیست، صرف نظر می کنیم. من به کلیسا خواهم رفت ولی ده یک نخواهم داد. من کتاب مقدس را خواهم خواند، ولی کسی را که مرا ناراحت کرده نخواهم بخشید. اما باید بدانید که اطاعت ناقص یعنی ناطاعتی.

اطاعت صمیمانه با خوشی و هیجان انجام می شود. کتاب مقدس می فرماید: "خداوند را با شادی عبادت کنید." (مز مور ۱۰۰: ۲) این خصوصیت داود است: "ای خداوند، راه اجرای احکام خود را به من بیاموز و من همیشه آنها را انجام خواهم داد." (مز مور ۱۱۹: ۳۳)

یعقوب خطاب به مسیحیان فرمود: "با اعمال است که پارسایی انسان ثابت می شود، نه با ایمان تنها." (یعقوب ۲: ۲۴) کلام خدا کاملاً روشن است که شما نمی توانید نجات را با اعمالتان تحصیل کنید. نجات فقط توسط فیض خدا حاصل می شود و نه با تلاشتان. اما بعنوان فرزند خدا شما می توانید با اطاعت از پدر آسمانیتان، او را خشنود سازید. این را نیز در نظر داشته باشید که هر عمل اطاعت یک عمل پرستش می باشد. چرا اطاعت اینقدر خدا را خوشحال می سازد؟ چون ثابت می کند که او را واقعاً دوست دارید. عیسی مسیح فرمود: "اگر مرا دوست بدارید، احکام مرا نگاه خواهید داشت." (یوحنا ۱۴: ۱۵)

خدا، وقتی او را بطور مداوم می پرستیم و شکر می کنیم، لبخند می زند. چیزهای کمی هستند که به اندازه تعریف و تمجید قلبی دیگران ما را شاد سازد. خدا نیز این را دوست دارد. وقتی ما تشکرات و پرستشهای خود را به او ابراز می کنیم، او لبخند رضایت می زند.

زندگی نوح خدا را خشنود می ساخت، چون او با قلبی شکرگزار و پر از پرستش زندگی می کرد. اولین عمل نوح پس از طوفان، بیان شکرگزاری هایش به خدا با تقدیم قربانیها بود. کتاب مقدس می فرماید: "آنگاه نوح قربانگاهی برای خداوند ساخت و از هر حیوان و پرند حلال گوشت بر آن قربانی کرد." (پیدایش ۸: ۲۰)

چون مسیح قربانی شد، امروز دیگر نیازی نیست که ما نیز حیوانات را مانند نوح قربانی کنیم. بجای این قربانیها به ما گفته شده که به خدا: "قربانی تسبیح" (عبرانیان ۱۳: ۱۵) و "قربانیهای تشکر" (مز مور ۱۱۶: ۱۷) را بگذرانیم. ما خدا را برای آنچه هست می پرستیم، و برای آنچه انجام داده شکر می کنیم. داود گفت: "با سرود نام خدا را ستایش خواهم نمود"

و با دعای شکرگزاری عظمت او را خواهیم ستود. خداوند چنین پرستشی را بیش از قربانی حیوانات می پسندد." (مزمور ۶۹: ۳۰ و ۳۱)

وقتی قربانیهای پرستش و شکرگزاری را به خدا تقدیم می کنیم، اتفاق عجیبی می افتد. وقتی خدا را خشنود می سازیم، قلبهای خود ما از خوشی لبریز می شود!

مادر من خیلی دوست داشت برای من غذا بپزد. حتی وقتی با خانمم "کی" ازدواج کردم، وقتی به ملاقات والدینم می رفتیم، مادرم غذاهای عالی خانگی درست می کرد. یکی از لذتهای بزرگ زندگی او این بود که بچه هایش را در حال لذت بردن از غذایی که او آماده کرده بود، ببیند. هر قدر ما از غذا لذت می بردیم، او بیشتر شاد می شد. ولی ما نیز وقتی به مادرمان ابراز می کردیم که از غذا لذت برده ایم از خشنودی او لذت می بردیم. در حقیقت این لذت دو طرفه بود. در حالیکه غذا را می خوردم، با سر و صدای زیاد از مادرم تعریف و تمجید می کردم. من نه فقط می خواستم از خوردن غذا لذت ببرم بلکه می خواستم مادرم را نیز خوشحال کنم و همه خوشحال می شدند.

پرستش نیز دوطرفه عمل می کند. ما از آنچه خدا برای ما کرده لذت می بریم، و وقتی قدردانی خود را به او ابراز می کنیم، این امر باعث شادی خدا می شود و نیز خوشی ما را نیز فزونی می بخشد. کتاب مزامیر می گوید: "نیکوکاران شادی کنند و در حضور تو خوشحال باشند، از شادی فریاد بر آورند و خوش باشند." (مزمور ۶۸: ۳)

وقتی ما از توانائیهایمان استفاده می کنیم، خدا لبخند می زند. بعد از طوفان خدا به نوح این دستورات ساده را داد: "بارور و زیاد شوید و زمین را پر سازید. همه حیوانات و خزندگان زمین، پرندگان هوا و ماهیان دریا از شما خواهند ترسید، زیرا همه آنها را زیر سلطه شما قرار داده ام و شما می توانید علاوه بر غلات و سبزیجات، از گوشت آنها نیز برای خوراک استفاده کنید." (پیدایش ۹: ۱ و ۲)

خدا فرمود: "الآن وقت آن است که به زندگی ادامه دهید! آنچه برای انسان مقرر کرده ام انجام دهید. از همسران بچه ها داشته باشید و خانواده ها تشکیل دهید. سبزیجات بکارید و گوشت بخورید. انسان باشید! این آن چیزی است که من شما را برای آن ساخته ام که باشید!"

شاید احساس کنی که تنها زمانی که خدا از تو راضی است زمانی است که فعالیت "روحانی" انجام می دهی. مانند خواندن کتاب مقدس، شرکت در جلسات کلیسایی، دعا و یا بشارت دادن. و شاید فکر کنی که خدا کاری به قسمتهای دیگر زندگی شما ندارد. در واقع، خدا از تماشای هر جزء زندگی شما لذت می برد. چه کار کنید و چه بازی کنید، یا استراحت کنید و یا بخورید. او حتی یک حرکت کوچک شما را از دست نمی دهد. کتاب مقدس به ما می فرماید: "خداوند قدمهای انسان را مستحکم می سازد، و در طریق هایش سرور می دارد." (مزمور ۳۷: ۲۳)

هر فعالیت انسانی، بجز گناه، اگر با حالت پرستش و عبادت انجام دهید، می تواند باعث خشنودی خدا شود. شما می توانید ظرفها را بشوید، یا ماشین را تعمیر کنید، جنس بفروشید، برنامه کامپیوتر بنویسید، سبزیجات برویاند و خانواده ای را برای جلال خدا تربیت کنید.

خدا، مانند پدر و مادری که به فرزندش افتخار می کند، از تماشای اینکه از توانائیها و استعدادهایی که او به شما داده، استفاده می کنید، لذت می برد. خدا عمداً به هر یک از ما هدایای مختلفی را برای خشنودی خودش داده است. او بعضی را ورزشکار و بعضی را تحلیل گرانه ساخته است. شما شاید استعداد مکانیکی یا ریاضیات یا موسیقی یا از هزاران استعداد دیگر داشته باشید. همه این توانائیها می توانند لبخند بر چهره خدا بیاورند. کتاب مقدس می فرماید: "او هر شخص را شکلی بخشیده و اکنون نظاره گر هر چیزی است که ما انجام می دهیم." (مزمور ۱۴۵: ۳ ترجمه ام اس جی)

با مخفی کردن استعدادها و توانائیهایتان یا با سعی داشتن به شبیه دیگران شدن نمی توانید باعث جلال خدا یا خشنودی او شوید. شما فقط زمانی که خودتان هستید، او را خشنود می سازید. هر گاه هر قسمت خود را انکار کنید، حکمت و تسلط خدا را در آفرینش شما منکر می شوید. خدا می فرماید: "وای بر کسی که با خالق خود می جنگد! آیا کوزه با سازنده خود مجادله می کند؟ آیا گل به کوزه گر می گوید: این چیست که تو می سازی؟" یا کوزه سر او فریاد می زند: "چقدر بی مهارت هستی؟" (اشعیا ۴۵: ۹)

در فیلم عرابه های آتشین، اریک لیدل که دهنده المپیک بود می گوید: "من ایمان دارم خدا مرا برای هدفی ساخته، ولی او مرا تند و تیز نیز ساخته، و وقتی من می دوم، رضایت خدا را احساس می کنم." بعداً او می گوید: "ترک دوندگی، بمعنای نگاه داشتن او در سرافکنندگی می باشد." هیچ توانائی غیر روحانی وجود ندارد، مگر توانائی ای که از آن سوء استفاده شده. همین اکنون برای خشنودی خدا شروع کن به استفاده از توانائی های خودت.

خدا همچنین از دیدن اینکه شما از خلقت او لذت می برید، خشنود می شود. او به شما چشمان داده تا از زیباییها لذت ببرید، گوشها داده تا از صداها لذت ببرید. بینی و حس چشایی شما از لذت بردن از بوها و مزه ها جوانه می زند و اعصاب زیر پوست شما از تماس و لمس لذت می برد. هر عمل لذت بخش وقتی برای آن از خدا شکرگزار باشید، تبدیل به یک عمل پرستش می شود. در واقع کتاب مقدس می فرماید: "خدا... همه چیز را به فراوانی برای ما فراهم می سازد تا از آنها لذت ببریم." (اول تیموتائوس ۶: ۱۷)

خدا حتی از تماشای خوابیدن شما لذت می برد! بباد می آورم، وقتی فرزندان من کوچک بودند، از تماشای خواب آنها لذت می بردم. گاهی اوقات روز با مشکلات و ناپااعتی ها پر بوده، ولی وقتی خواب بودند، قانع، امن و آرام به نظر می آمدند و بباد می آوردم که چقدر آنها را دوست دارم.

احتیاج نبود که بچه های من کاری برای من می کردند، که از آنها لذت می بردم. من فقط از اینکه می دیدم نفس می کشند، خوشحال بودم، چون آنها را خیلی دوست داشتم. در حالیکه سینه کوچک آنها بالا می رفت و پایین می آمد، من لبخند می زدم، و گاهی اوقات اشکهای شادی چشمان مرا پر می ساخت. وقتی شما می خوابید، خدا نیز شما را با محبت تماشا می کند، چون شما ایده او بوده اید. او شما را آنچنان دوست دارد که مثل اینکه تنها شخص بر زمین هستید. والدین از فرزندان شان انتظار ندارند که کامل یا بالغ باشند، تا از آنها لذت ببرند. آنها از هر مرحله رشد آنها لذت می برند. بهمین طریق خدا انتظار ندارد، وقتی به رشد رسیدید، شروع به محبت شما کند. او شما را دوست دارد و از وجود شما در هر مرحله از رشد روحانیتان لذت می برد.

شاید وقتی رشد می کردید والدین یا معلمین ناخوشایند داشته اید. خواهش می کنم اینطور فکر نکن که خدا نیز به همانطور در مورد شما احساس می کند. او می داند که شما نمی توانید کامل و بی گناه باشید. کتاب مقدس می فرماید: خداوند از سرشت و فطرت ما آگاه است و می داند که خاک هستیم." (مزمو ۱۰۳: ۱۴)

خدا به حالت قلب شما نگاه می کند: آیا عمیق ترین اشتیاق شما خشنود ساختن اوست؟ این هدف زندگی پولس رسول بود: "پس خواه در بدن منزل داشته باشیم و خواه در غربت از آن به سر بریم، این را هدف قرار داده ایم که او را خشنود سازیم." (دوم قرنتیان ۵: ۹) وقتی در نور ابدیت زندگی می کنید، تمرکز شما از اینکه "چقدر از زندگی لذت می برم؟" به "چقدر خدا از زندگی من لذت می برد؟" تغییر می کند.

خدا در قرن بیست و یکم به دنبال مردمی مانند نوح می باشد- مردمی که می خواهند برای خشنودی خدا زندگی کنند. کتاب مقدس می فرماید: "خداوند از آسمان به انسانها نگاه می کند تا شخص فهمیده ای بیابد که طالب خدا باشد." (مزمو ۱۴: ۲)

آیا شما خشنود ساختن خدا را هدف زندگیتان قرار خواهید داد؟ خدا برای کسی که غرق این هدف است همه کار انجام خواهد داد.

نکته مورد توجه: وقتی به خدا اعتماد می کنم، او لبخند می زند.

آیه حفظی: "خشنودی او از کسانی است که او را گرامی می دارند و به رحمت وی امید بسته اند." (مزمو ۱۴۷: ۱۱)
سوالی که باید از خود بکنید: با توجه به اینکه خدا می داند بهترین چیز چیست، در کدام قسمت از زندگی ام احتیاج دارم به او اعتماد و توکل کنم.